



نظر هیئت منصفه در باره «انتخاب»

سخنگوی هیئت منصفه دادگاه‌های سیاسی و مطبوعاتی اعلام کرده است، اعضای هیئت منصفه دادگاه‌های سیاسی و مطبوعاتی، مدیر مسئول پایگاه خبری «انتخاب» را مجرم دانستند. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، اکبر نصراللهی گفت: «اتهام‌های آقای علی م مرادی، «نقض مفاد ۲۹۸ و ۵۷۱ مصوبات شورای عالی امنیت ملی» و انتشار مطالب خارج از حدود مطبوعات (بند ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات) در ویدئویی و گزارشی با عنوان «حراج برند ایران / سیاست خارجی ایران چرا اینقدر تضعیف شده است؟» است.» نصراللهی افزود: «در جلسه روز دوشنبه، اول مردادماه، اعضای هیئت منصفه با تأکید بر اهمیت رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی و تحلیل وقایع و تشکر مجدد از آن‌ها، بر ضرورت اجرای قوانین از جمله مصوبات شورای عالی امنیت ملی تأکید و تصریح کردند، صرف نظر از درست یا نادرست بودن مطالب منتشر شده سایت «انتخاب»، محتوای ویدئوی مذکور، مغایر با قوانین و مصوبات بوده است.» نصراللهی در پایان گفت، رأی دادگاه رسیدگی متعاقباً صادر خواهد شد.



ادعای تازه وزیر ارشاد

محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به اقداماتی که وزارتخانه متبوعش طی سه سال گذشته انجام داده است، مدعی شد: «سال ۱۴۰۲ پررونق‌ترین دوره فرهنگ و هنر در کشور بوده است.» ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، اسماعیلی در بخشی از صحبت‌هایش در جلسه شورای مدیران این وزارتخانه با بیان اینکه پس از کرونا نوبت به فتنه فرهنگی سال ۱۴۰۱ رسید که سردمداران آن عمدتاً چهره‌های فرهنگی، ورزشی و... بودند، ادامه داد: «یکی از مهمترین اقدامات دوستانم در بخش‌های مختلف وزارتخانه این بود که اجازه ندادند حوزه فرهنگ و هنر تعطیل شود.» او همچنین گفت: «بزرگ‌ترین نماد فعالیت‌های فرهنگی - هنری، جشنواره هاست. در همین راستا کمیته‌ای تشکیل داده بودیم و روزانه جلساتی را برگزار می‌کردیم.» اسماعیلی همچنین اشاره کرد، هیچ سینماداری را ندیده است که از اقدامات انجام‌شده ایراز رضایت نکند.



گام بلند بنیاد سعدی!

روابط عمومی بنیاد سعدی به نقل از غلامعلی حداد عادل، رئیس این بنیاد، از آغاز به کار مدرسه تالیستانی آموزش زبان فارسی با هوش مصنوعی در بنیاد سعدی خبر داده است. حداد عادل در این خصوص گفته است: «جمهوری اسلامی توجه جدی به حوزه هوش مصنوعی دارد، در همین راستا در جلسه اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی موضوع تأسیس سازمان ملی هوش مصنوعی به تصویب رسید. علاقه‌مندان به زبان و ادبیات فارسی و هوش مصنوعی از شهرهای گوناگون ایران در این دوره آموزشی ثبت‌نام و شرکت کرده‌اند.» او همچنین سرفصل‌های آموزشی این دوره را شامل: مبانی هوش مصنوعی، مهندسی پرشش آموزشی با هوش مصنوعی، تولید محتوای صوتی و تصویری با هوش مصنوعی، نرم‌افزارهای آموزش زبان و زبان فارسی به وسیله هوش مصنوعی و معرفی و آشنایی با نمونه‌های موجود، تولید و ویرایش ویدئوهای آموزشی با هوش مصنوعی، آزمون‌سازی و سنجش با هوش مصنوعی و... دانسته است.

نغمه داوودی مرغ سحر

علیرضا میرعلی‌نقی، محمد امین میراحمدی و محمدرضا شرایلی درسی و چهارمین سالگرد خاموشی نوای تار مرتضی خان‌نی داوود از او گفتند



یکی از ماندگارترین قطعات تاریخ موسیقی ایرانی، «مرغ سحر» از جمله دیگر نقاط عطف کارنامه کاری نی‌داوود است. هنرمند برجسته‌ای که دوم مردادماه ۱۳۶۹ در غربت درگذشت و در کالیفرنیا به خاک سپرده شد.

آخرین کاروان بانگ کهن

علیرضا میرعلی‌نقی که مردادماه سال ۱۳۶۹ و در پی درگذشت مرتضی خان نی‌داوود اقدام به نگارش متنی کرده بود که اکنون اجازه استفاده از آن را به ما می‌دهد و در این جا تنها بخش کوتاهی از آن را می‌خوانیم، با مروری بر سال‌های ابتدایی زندگی مرتضی خان از فضای محیط خانوادگی نی‌داوود می‌گویید که همانند محیط زندگی ابوالحسن صبا، مرتضی محجوبی و حبیب‌سماعی برای موسیقی مساعد بود.

میرعلی‌نقی که خود از حافظان ردیف به‌جامانده از مرتضی خان نی‌داوود و یاری‌دهندگان آن برای انتشار توسط انتشارات چهارباغ بوده است، در این متن «یکی از خصایص بارز نی‌داوود را کشف استعداد‌های خوب در زمینه‌های موسیقی و پرورش مجدانه آن‌ها» برمی‌شمارد و می‌نویسد: «ملوک ضرابی کاشانی که بعدها مشهورترین تصنیف‌خوان دوره خود شد، غلامحسین بنان و قمرالملوک وزیری که برجسته‌ترین کشف نی‌داوود بود نیز از دستاوردهای ارزشمند غریزه سالم او هستند. نکته قابل ذکر این‌که برعکس قول مشهور -و حتی نقل مشهور از قمرالملوک وزیری که مرتضی خان را استاد خود دانسته- تحقیقات عمیق معلوم می‌نماید که قمرالملوک وزیری شیوه خوانندگی خود را با استماع هوشیارانه صفحات اساتید متقدم آواز به‌خصوص سیدحسین طاهرزاده فرا گرفته و از فنون هنری و اصول اجرایی آنان تبعیت نموده است. سهم مرتضی خان نی‌داوود در شکوفایی قمر، در زمینه‌هایی چون تعلیم ردیف آوازی، همراهی با ساز و تصنیف‌خوانی بوده است که مقوله‌ای بسوا از فراگیری و صنعت شیوه اجرای خوانندگی است. قمر، نزدیک‌ترین یار و شاگرد مرتضی خان شد و غیر از کنسرت‌های تکان‌دهنده‌ای که با او برگزار کرد - و از آن میان کنسرت همدانش به همراه عارف قزوینی در خاطره تاریخ به یادگار است - صفحات بسیاری با او پر کرد که بعدها تعدادی از تصنیف‌های آن‌ها دوباره توسط خاتم ملوک ضرابی بازخوانی و ضبط شد. آوازهای بی‌نیهایت زیبایی: «شور، دشتی، ابوعطا، افشاری و ماهور» و تصانیف جاودانه‌ای چون «مرغ سحر»، «آتشی در سینه دارم جاودانی» «تو رفتی و عهد خود شکستی» و



نرگس کیانی

خبرنگار گروه فرهنگ

مرتضی خان نی‌داوود، نوازنده تار، آهنگساز، ردیف‌دان و مدرس موسیقی فرزند بالاخان ضرب‌گیر در سال ۱۲۷۹ ه. ش در تهران به دنیا آمد. مرتضی خان هشت ساله بود که برای آموزش موسیقی در دوره‌های میرزا حسین قلی فراهانی معروف به آقا حسینقلی شرکت و دوره ردیف ۷ دستگاه موسیقی ایرانی را طی شش سال نزد آقا حسینقلی تمام کرد و به محضر بهترین شاگردش، درویش خان راه یافت. علیرضا میرعلی‌نقی، مورخ، پژوهشگر، روزنامه‌نگار، تحلیلگر و منتقد موسیقی از این رویداد چنین یاد می‌کند و می‌گوید: «نی‌داوود بعد از حسینقلی غفاری (بهترین شاگرد درویش که جوانمرد شد)، چنان در محضر درویش خان درخشید که علاوه بر کسب سه مدال مخصوص کلاس او (مس، نقره و طلا)، به سمت خلیفه‌گری کلاس استاد نیز نائل آمد و برای شاگردان دیگر حل مسئله می‌کرد.» آن طور که محمدامین میراحمدی، نوازنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه در کتاب «جویبار جوشنده» و مستندی با همین عنوان می‌گوید، مرتضی خان یک‌سال پس از درگذشت درویش خان در سال ۱۳۰۵، «مدرسه درویش» را به یاد استادش راه‌اندازی و شاگردان بسیار پرورش داد. او از بدو تأسیس رادیو در اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۹ تا حدود ۱۳۲۹ با گروهی برجسته از نوازندگان و خوانندگان هر شب به اجرای زنده می‌پرداخت تا این که در پی استعفایی دسته‌جمعی در اعتراض به آن چه در این رسانه رخ می‌داد، از عرصه فعالیت حرفه‌ای موسیقی فاصله گرفت. این فاصله تا زمانی که مرتضی خان نی‌داوود در سال ۱۳۴۸ برای ضبط ردیف به رادیو دعوت شد، ادامه داشت و پس از آن بود که او به گفته خود، احساس کرد فریضه‌ای را که در مقابل هنر موسیقی ایرانی برعهده داشته، انجام داده است. به گفته محمدرضا شرایلی، نوازنده، اتنوموزیکولوگ و پژوهشگر تاریخ ضبط موسیقی ایران آن چه از تمام عمر پربار مرتضی خان نی‌داوود به‌جامانده است، جز ردیف مذکور تنها ضبط‌هایی طی چهار دوره به‌حداصل سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۰ است. پیوند نام قمرالملوک وزیری با نام مرتضی خان نی‌داوود نخست به‌عنوان خواننده‌ای که از نی‌داوود درس می‌گرفت، سپس به‌عنوان همکار او و خلق

«شاه من، ماه من.»

میرعلی‌نقی حضور مرتضی خان در رادیو و استعفای دسته‌جمعی رخ داده را این‌گونه روایت می‌کند: «چهارم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۱۹، اولین ایستگاه رادیویی تهران تأسیس شد. در آن جا مرتضی نی‌داوود به همراه قمرالملوک وزیری، ابوالحسن صبا، مرتضی محجوبی، حسین تهرانی، علی‌اکبر شهنازی، ارسلان درگاهی، حبیب‌سماعی، رضا روانبخش، مهدی غیثی و عده‌ای دیگر به گروه‌نوازی و گاه تکنوازی پرداخت، اما هرگز آن دستگاه منحن و سیاست‌های مطرب‌پرورش را نپذیرفت و هم‌زمان با حبیب‌سماعی، ارسلان درگاهی، رضا روانبخش و علی‌اکبر شهنازی آن‌جا را با تلخی ترک گفت و دیگر برای کار به آن‌جا برنگشت. در این زمان که اواسط سال ۱۳۲۰ بود، کار کنسرت‌ها و ضبط صفحه نیز بسیار محدود شده و هرچ‌ومرچ ضدفرهنگی زاده بدعت‌های نابخردانه تحولات عمیق اوایل قرن، حال مجالی وسیع برای خودنمایی پیدا کرده بود. نی‌داوود و امثال او که نه جذب موسیقی عوام‌پسندها شدند، نه با جریانات دیگری که داعیه پیشرفت موسیقی ایران را با خود داشتند همراه، سنگین و اندیشمند، فاخر و استوار بر سر موضع خود ماندند. در این زمان از قدیمی‌های مایه‌دار، حبیب‌سماعی و رضا روانبخش، درگذشته، حسین طاهرزاده، سلیمان امیرقاسمی و ابوالحسن اقبال آذر پیر بودند و صدای زیبای قمر دیگر آن زنگ و روشنی را نداشت. نی‌داوود نیز درست در اوچ نیروی کار، خلاقیت و توانایی خود، مجبور به بازنشستگی از عرصه موسیقی گردید و به‌قول خود: «برای گریز از تجارتي‌کردن موسیقی»، برای امرار معاش به تجارت پرداخت و موسیقی را تنها برای خود، دوستان و شاگردانش نگه داشت.»

این مورخ، پژوهشگر، روزنامه‌نگار، تحلیلگر و منتقد موسیقی می‌نویسد: «نی‌داوود سالیانی پیش از آن طبق ورقه اجاره‌نامه‌ای از دکتر نصر، کانونی در کوچه بختیاری‌های خیابان علاءالدوله (فردوسی) دایر کرد به‌نام «مدرسه درویش» به‌یاد استادش و در آن تا جایی که توان داشت، چراغ موسیقی سنتی را عاشقانه روشن نگه داشت. بسیاری از کسانی دیگر که به‌واسطه تعلق‌شان به مکاتب دیگر موسیقایی شهرت دارند نیز از دانش‌آموختگان این مدرسه هستند: حسین سنجرى (تار)، حسین یاحقی (ویولن و کمانچه) و دیگران: قمرالملوک وزیری و ملوک ضرابی کاشانی (آواز و تصنیف) و ارسلان درگاهی (تار) و سه‌تار). ارسلان درگاهی و حسین یاحقی خود نوازندگانی بزرگ بودند که بعدها برای تکمیل معلومات ردیفی خود نزد نی‌داوود رفتند چراکه نی‌داوود، بهترین شاگرد درویش خان و میرزا حسینقلی، از بهترین حافظان و راویان ردیف آن‌ها بود.»

او در بخش دیگری از این متن بلند اشاره می‌کند: «مردادماه ۱۳۲۸، هنگامی که نی‌داوود پیر، قوی و سرحال اما عیوس و دل‌شکسته در مراسم تجلیل مصنوعی یار دیرین با تارش حاضر شد و به همراه آواز حزین روح‌انگیز نواخت، آخرین حضور خود را در میان جماعت شاهد بود. چند سال بعد از آن مدرسه درویش هم تعطیل شد. کاستی قوای نی‌داوود و رواج فرهنگ استعماری در جامعه که باعث دلسردی و افسردگی شدید او و امثال او شده بود، اجازه نداد که چنین کاری را دنبال گیرد. در این زمان ۶۰ سال داشت و با اینکه ۳۰ سال دیگر نیز از عمر او باقی مانده بود، لیکن خود را دیگر تقریباً بازنشسته کرد و غیر از نوازندگی در محضر اساتید و دوستان موسیقی شناس و حضور گهگاهی در برنامه‌های تلویزیونی «شناسایی موسیقی ایرانی» که به کارگردانی مرتضی حنانه، موسیقیدان مدرن زمانه برگزار می‌شد، کار دیگری نمی‌کرد.»

میرعلی‌نقی ضبط ردیف مرتضی خان نی‌داوود را نیز این‌طور شرح می‌دهد: «دوره مطبوع بازنشستگی استاد ادامه یافت، تا اوایل سال ۱۳۵۰ که از او دعوت شد تا برای ضبط ردیف‌هایش به رادیو برود. استاد در این زمان بیش از ۷۰ سال داشت. با موهایی سپید فراوان، قامت استوار و محکم، پنجه دلنشین اما نه‌چندان رسا، مانند ۵۰ سال پیش در اتاق ضبطی که یک صندلی و یک تار وجود داشت، نی‌داوود به مدت یک‌سال و نیم مداوماً کار کرد. تمام دستگاه‌ها، آوازها، گوشه‌های‌شان، قطعات و الحاقات را با زیبایی و اصالت، بی‌کم‌وکاست نواخت؛ با ذکر نام تک‌تک آن‌ها. بسیار خسته بود اما عشق فراوان به موسیقی سنتی که در او با شیر اندرون شده و با جان به‌در می‌رفت، نگذاشت کار را تا نیمه رها کند. دستگاهی که نی‌داوود را ۳۰ سال پیش از آن با تلخی به بیرون رانده بود، می‌خواست بابت این کار عظیم و توان‌فرسا، دستمزدی شایسته به استاد اهدا کند اما هرچه کردند، نپذیرفت و اظهار داشت که احتیاج ندارد. این کار را برای خدمت به موسیقی وطنش کرده و خوشحال است که دیگر موسیقی عزیز وطنش نمی‌تواند پامال بدخواهان شود.»

دو، سه سال بعد از آن خانواده‌اش آمریکا را برای محل اقامت خود انتخاب کردند و استاد پیر نیز به ناچار با آنها همراه شد. میرعلی‌نقی در این مورد معتقد است: «مرتضی خان بیش از ۹۰ سال عمر کرد و در آرامش و عزت روزگار گذرانید. ۱۲ سال آخر را چون درختی بود که از ریشه قطع شده باشد. هنگامی که در گوشه‌ای از کالیفرنیا پیکر درهم‌شکسته و موی سپیدش را به خاک غربت می‌سپرد،